

## واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از منظر قرآن کریم

سیدراضیه پور محمدی<sup>۱</sup>

سکینه آخوند<sup>۲</sup>

نرجس اخلاقی<sup>۳</sup>

### چکیده

زمینه و هدف: خانواده نخستین خشت بنای جامعه است، از این رو تحکیم بنیان خانواده عامل مهمی در ایجاد یک جامعه سالم است. خانواده در عصر کنونی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است، چالش‌هایی که می‌توانند ارکان خانواده را متزلزل کنند و سلامت روانی افراد را به خطر اندازند و در پی آن کارکرد بهینه افراد در جامعه را نیز کاهش دهند. اگر هر یک از اعضای خانواده با شاخص‌های خانواده تعالی مورد نظر قرآن آشنا شوند و آن‌ها را در زندگی به کار گیرند، تضمینی برای تعالی و پایداری خانواده ایجاد می‌شود.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استمداد از آیات قرآن کریم به بررسی شاخص‌های درونی خانواده پرداخته است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** یافته‌ها حاکی از آن است که: ۱. محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح و نبود آن موجب ناهنجاری‌های روانی است؛ ۲. همدلی در خانواده سبب تفاهم و درک وضعیت روحی و جسمی افراد می‌شود؛ ۳. بیان مشکلات با فرزندان و مشارکت دادن آنان در سختی‌ها و کوشش برای پیدا کردن راه‌حل مناسب، تأثیر بسزایی در افزایش روحیه صبور و مقاومت در فرزندان دارد؛ ۴. رعایت عفاف و حفظ حریم خانواده از مهم‌ترین وظایف افراد خانواده و از شاخص‌های خانواده تعالی به‌شمار می‌آید؛ ۵. خوش‌رویی و خوش اخلاقی اعضای خانواده با یکدیگر موجب آرامش و گرمی کانون خانواده می‌شود و پایه‌های این کانون مقدس را محکم می‌سازد؛ ۶. صداقت از جمله مواردی است که در فضای خانواده تعالی اعتماد اعضا نسبت به همدیگر را جلب می‌کند و از کینه و کدورت پیشگیری می‌کند؛ ۷. احترام متقابل در محیط خانواده از اصول مهم برای استحکام خانواده است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن، خانواده متعالی، شاخص، سبک زندگی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) [raz\\_sae@yahoo.com](mailto:raz_sae@yahoo.com)

۲. هیات علمی دانشکده علوم قرآن، قم. [S.khoond@yahoo.com](mailto:S.khoond@yahoo.com)

۳. سطح دو حوزه جامعه‌الزهر، قم. [nakhlaghi@yahoo.com](mailto:nakhlaghi@yahoo.com)

## مقدمه

خانواده مهم‌ترین رکن هر جامعه‌ای است. چنانچه خواستار اصلاح در یک جامعه باشیم باید از اصلی‌ترین هسته آن یعنی خانواده آغاز کنیم. اگر اعضای خانواده در سلامت و امنیت کامل روحی و روانی قرار داشته باشند جامعه نیز از امنیت و سلامت کامل برخوردار خواهد بود. از این رو ضروری است تا قسمت عمده تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در جهت بهبود وضعیت خانواده‌ها و استحکام بنیان آن قرار گیرد. در این راستا نظریات گوناگونی ارائه شده که هر یک دچار نقص‌هایی نیز است؛ زیرا عموم نظریه‌پردازان عرصه خانواده، شناختی کامل از تمام ابعاد وجودی انسان و نیازهای وی نداشته‌اند. به همین دلیل، باید به دنبال نظریه‌ای باشیم که هیچ‌گونه اشکال و کمبودی نداشته باشد.

با توجه به اینکه اسلام یک آیین جامع و جاودانی است و برای نهاد خانواده نیز اهمیت فراوانی قائل است از همین روی انتظار می‌رود که دستورات و ارشادهای قابل توجهی در متن معجزه جاودانی آن یعنی قرآن کریم بیان شده باشد. قرآن کریم در این رابطه آیات متنوعی دارد که در کنار هم یک دستورالعمل جامع برای تحقق خانواده اسلامی و قرآنی تشکیل می‌دهند؛ اما متأسفانه به‌مرور زمان توجه جامعه مسلمانان به این فرمان‌های اصیل و نورانی کم‌رنگ‌تر شده است تا حدی که امروزه برخی خانواده‌ها با مشکلات جدی در این حوزه روبه‌رو هستند.

برای داشتن یک خانواده متعالی قرآنی که از آفات و خطرات احتمالی نیز در امان بماند باید به رهنمودهای خداوند متعال در قرآن کریم و شاخصه‌هایی که برای تعالی خانواده معرفی نموده است، مراجعه نمود تا افزون بر تحکیم و تعالی بنیان خانواده، گام مهمی نیز در بهبود اوضاع حاکم بر جوامع برداشته شود.

نوشتار حاضر با توجه به این مسئله، به تبیین شاخصه‌های درونی خانواده متعالی در سبک زندگی از منظر قرآن پرداخته. تاکنون پژوهش‌های مهم و فراوانی در مورد خانواده و شاخص‌های تعالی آن، انجام شده و کتاب‌هایی در این باره نگاشته شده است هرکدام به مواردی از عوامل درونی اشاره کرده‌اند و در مجموع می‌توان گفت خداوند سبحان در آیات فراوانی سبک درست

زندگی را معرفی نموده که می‌توان با پیروی از آموزه‌های قرآنی، بسیاری از مشکلات خانواده‌ها در روزگار کنونی را برطرف نمود.

### تعریف مفاهیم

#### - خانواده

«خانواده» در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶/۹۴۳۸) معادل این واژه در زبان عربی «أسرة» است که این منظور در این مورد بیان می‌کند که خانواده به معنای مکان و محل محفوظ و امن است، همچون حصار یا سپری که افراد به واسطه آن خود را از خطرات حفظ می‌کنند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۱۹) به عبارتی دیگر، وجه تسمیه خانواده به اسره همین است که اعضای آن در این حصار، احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

#### - سبک زندگی

می‌توان دو تعریف را برای سبک زندگی ارائه نمود:  
الف) روش خاص زندگی فرد، گروه یا فرهنگ است که این تعریف بیشتر توضیح واژه به واژه و معنای لغوی از ترکیب «سبک زندگی» است.  
ب) به معنای شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایش‌ها، طرز تلقی ارزش‌ها، عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، شیوه‌های رفتار و معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... است که باهم طرز زندگی فرد یا گروه یا جامعه‌ای را می‌سازد. این معنا، امروزه در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی رواج یافته است (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۵۱).

#### - شاخص

در لغت به معنای مردی که در میان مردم، برگزیده و ممتاز باشد یا علامتی که در زمین برای مشخص نمودن وقت ظهر نصب می‌کنند و ... (عمید، ۱۳۸۷: ۲/۱۲۷۳) آمده است و در اصطلاح نیز به معنای ویژگی و صفت است. در این تحقیق لفظ شاخص به معنای پایه (معین، ۱۳۷۸: ۳/۱۶۳۰) و ویژگی که می‌توان برای خانواده متعالی استفاده نمود بیان کرد.

### شاخص‌های درونی خانواده متعالی

انسان موجودی اجتماعی است. او همان‌گونه که برای تحقق بخشیدن به فرایند رشد و تکامل خود به ارتباط با دیگران نیازمند است، به خانواده نیز نیاز دارد. خانواده با ازدواج دو همسر شکل می‌گیرد و به پدر، مادر، فرزندان و دیگر بستگان گسترش می‌یابد.

خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای اعضای آن به‌ویژه زن و شوهر و فرزندان است. از این رو به مدیران خانواده سفارش می‌شود تا در این راستا بکوشند و خود و خانواده را از هرگونه آفت و زیان دنیایی و آخرتی بر حذر دارند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم، ۶).

به عبارتی، روابط افراد در خانواده را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: تعاملات و روابطی که میان اعضای خانواده و محیط اجتماع برقرار می‌شود (روابط بیرونی خانواده) و نیز روابطی که در محیط خانواده و میان خود اعضای خانواده برقرار است (روابط درونی خانواده).

در پژوهش حاضر به علت گستردگی مطالب و اهمیت خاص روابط درونی خانواده فقط به ذکر برخی از عوامل درونی پرداخته می‌شود. برای تقویت روابط درونی خانواده باید شاخصه‌هایی همچون محبت، همدلی، عفاف و ... را مورد توجه و واکاوی قرار دهیم.

#### - محبت (تبادل عاطفی)

محبت را می‌توان به دو معنا گرفت؛ دوست داشتن و دلدادگی، محبت برای انسان یک نیاز طبیعی است. همان‌طور که انسان به آب و غذا نیاز دارد، به محبت نیز نیاز دارد و جایگاه این محبت را بیشتر در چهارچوب خانواده جستجو می‌کند. بررسی‌های متعدد ثابت کرده‌اند که محبت مهم‌ترین عامل سلامت روحی و روانی و نبود آن موجب ناهنجاری‌های متعدد است. کمبود محبت مشکلاتی را پدید می‌آورد که نه تنها برای انسان زیان‌بخش است بلکه زمینه را برای آشفته‌گی‌های اجتماعی نیز فراهم می‌کند (شکوهی، ۱۳۶۸: ۱۷۸).

قرآن کریم بر اساس اهمیت و ضرورت‌هایی که در ازدواج و خانواده وجود دارد، بر تحقق و سلامت به‌واسطه محبت تأکید فراوان دارد. در سوره روم چنین آمده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱). این آیه با صراحت بیان می‌کند که خداوند برای شما یا برای بهره‌وری و نفع شما از جنس خودتان همسرانی را آفرید که از مواهب و آیات الهی هستند. آرامش‌بخشی ازدواج به این دلیل است که زن و مرد مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط یکدیگرند و هر یک بدون دیگری ناقص می‌مانند و چون هر ناقصی شوق تکامل دارد و هر نیازمندی میل طبیعی برای رفع خود نیاز دارد، پس طبیعی است میان یک موجود و مکمل او جاذبه نیرومند و میل طبیعی ایجاد شود که با رسیدن به آن احساس آرامش کند (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۶/۱۶۶).

خانواده قرآنی خانواده‌ای است که محل امنیت و آرامش و سکون است. اضطراب و تشویش و بی‌اعتمادی در آن جایی ندارد. اصولاً یکی از اهداف اصلی توصیه اسلام به تشکیل خانواده نیز همین امر است. اسلام می‌خواهد با تشکیل خانواده، محلی برای سکونت و آرامش زن و مرد و سایر اعضای خانواده تأمین کند.

منظور از «جعل» در آیه مذکور، جعل تکوینی و جبری نیست. یعنی چنین نیست که به محض اجرای صیغه عقد به صورت ناخودآگاه و جبری، محبت و مودتی میان همسران ایجاد شود؛ بلکه منظور آن است که خدای متعال چنین مطالبه‌ای از همسران دارد که با دوستی و محبت با یکدیگر برخورد کنند. هدف خداوند این است که چنین رابطه مهرورزانه و محبت‌آمیزی میان زوجین برقرار گردد (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۶۸).

«مودت و رحمت، هدیه خداوند به عروس و داماد است» (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۹/۱۸۹). کسانی که تا قبل از ازدواج هیچ قرابت و تبادل عاطفی و شناختی عمیق نسبت به هم نداشتند بعد از ازدواج زیر یک سقف کنار هم می‌آیند (کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۲۵۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/۳۲)

به عبارت روشن‌تر، عشق به خانواده، عطیه‌ای الهی است که تجلی مهر مهربان‌ترین مهربانان در وجود فرد است، همچنان که خداوند متعال در سوره روم به آن اشاره فرموده است. محبت نسبت به اعضای خانواده، سبب نزول رحمت الهی می‌شود. در نگرش اسلامی، فرد ظرف وجود خویش را مالا مال از هدیه الهی عشق به خانواده می‌کند و بنا بر توصیه‌های شریعت، با خانواده

خوش رفتاری می نماید.

سفارش به ابراز محبت و دوستی در منابع دینی و سیره و سنت نبوی و خاندان مطهرش موج می زند. به عنوان نمونه در سیره عملی معصومان (ع) موارد بسیاری از ابراز محبت نسبت به اعضای خانواده را می توان یافت از جمله عبارت های پر مهر و محبت پیامبر (ص) خطاب به فاطمه (س) مانند «فداها ابوها» (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۸/۱) «فاطمه بضعه منی» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶۰). اسلام محبت عمیق و صمیمی زوجین را به یکدیگر محترم شمرده و به آن توصیه کرده است و تدابیری به کار برده که این یگانگی و وحدت هر چه بیشتر و محکم تر باشد (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۷). زیرا این محبت عمیق و ابراز آن مایه تعمیق آن بین دیگر اعضای خانواده می شود که اثرات سازنده و مفیدی را در محیط خانوادگی و در پی آن جامعه خواهد داشت.

البته باید اشاره نمود که در روابط انسانی، عشق و علاقه، هم آثار نیک و جهات مثبت دارد و هم اگر بی حساب و بی معیار و خارج از کنترل باشد، پیامدهای سوء خواهد داشت گاهی هم حقایق را بر انسان پوشیده می سازد و عیبها را کتمان می کند و نقاط ضعف را به نقاط قوت تبدیل می نماید و زشت را زیبا جلوه می دهد و این، از عوارض سوء «افراط در محبت» است.

به فرموده مولای متقیان علی (ع): «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى (أعمى) بَصْرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ ، فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِبَةٍ ، وَ يَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتِ عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۱۶۰)؛ و هر که عاشق چیزی شد آن چیز دیده اش را کور و دلش را بیمار سازد، از این رو با چشمی ناسالم می بیند، و با گوش ناشنوا می شنود، خواهش های نفسانی پرده عقلش را دریده و دنیا دلش را می میراند».

محبت، گاهی در داوری انسان نسبت به دیگران هم اثر می گذارد و آدمی را به داوری ناحق می کشاند. اگر والدین به یکی از فرزندان علاقه بیشتری نشان دهند گاه موجب فراهم شدن زمینه برای حسادت دیگر اعضا به او می شود که عوارض سوء و مخربی را در محیط گرم و صمیمی خانواده ایجاد می کند، همچون داستان فرزندان یعقوب نبی که اظهار علاقه مداوم ایشان به یوسف، زمینه حسادت برادران را فراهم نمود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰/۵۶۰) و کار تا

برنامه قتل یوسف پیش رفت.

بنابراین باید محبت را مدیریت کرد، زیرا که در زمان‌ها و شرایط مختلف خاصیت‌های متفاوتی بر جا می‌گذارد. «اگر شخصی کمبود محبت نداشته و به‌جا و به‌موقع این نیاز را دریافت کرده باشد، در مقابل بسیاری از ناهنجاری‌های روانی و بیماری‌های جسمی بیمه خواهد شد» (شیخ‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

تبادل عاطفی، محیط خانواده را فضایی سالم و امن و سرشار از نشاط می‌کند و در چنین فضایی است که فرزندان نیز می‌آموزند که دوست بدارند، همان‌گونه که دوست داشته می‌شوند.

### - همدلی

همدلی در با خانواده یعنی درک همسر و پی بردن به زاویه دید او در مسائل که موجب الفت و صمیمیت بیشتر میان آن‌ها می‌شود، اگر فرد خود را در محیط خانواده تنها و بی‌یاور احساس کند به‌گونه‌ای که افراد خانواده برای او و خواسته‌هایش ارزشی قائل نباشند، فرد از پیمودن مسیر و تحمل رنج راه مایوس می‌شود. چه‌بسا نبودِ همدلی باعث فروپاشی نظام خانواده و دور شدن افراد خانواده از یکدیگر و آسیب به دیگر اعضای خانواده نیز گردد.

بنابراین از دیگر ویژگی‌های خانواده متعالی همدلی و همراهی اعضای خانواده با همدیگر و تشخیص مصلحت زندگی و ترجیح آن بر منفعت شخصی است و این خصوصیات در پرتو همراهی اعضای خانواده اعم از زوجین و فرزندان، امکان‌پذیر است. قراردادهای و مقررات در این خانواده، مورد احترام است ولی آنجا که پای مصلحت بزرگ‌تری در میان باشد، هر یک از افراد خانواده از انعطاف‌پذیری روحی خاصی برخوردار می‌گردد که خواسته‌های فردی را فدای پیشبرد اهداف زندگی خواهد نمود (شرفی، ۱۳۷۲: ۶۶).

زوجین در این کانونِ همدلی، چنان حس می‌کنند که روح آن‌ها تا آخر عمر به هم ملحق شده است پس در تمام سختی‌ها و مسائل یار و یاور یکدیگر هستند و خویش را همچون دو بال فرض می‌کنند که دوشادوش یکدیگر باید مسیر زندگی را طی کنند. فرزندان نیز در چنین فضایی، درس همدلی می‌آموزند.

به عنوان نمونه می توان به داستان حضرت ابراهیم و همسرش هاجر در قرآن کریم اشاره نمود، زمانی که حضرت به دستور خداوند هاجر را با فرزند خردسالش در سرزمین بی آب و علف مکه ساکن می کند و برایشان دست به دعا برمی دارد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۳۷). این آیه نهایت همدلی و همکاری هاجر را با ابراهیم نشان می دهد که آن موقعیت را از ابراهیم پذیرفت و گلابیه و نافرمانی نکرد. در هنگام قربانی نمودن فرزندی که با سختی بزرگ کرده بود (صافات، ۱۰۱-۱۱۰) نیز تسلیم فرمان خداوند شد و جزع و بی تابی نکرد (میددی، ۱۳۷۱: ۸/ ۲۹۱).

بنابراین در محیط خانواده بیش از آنکه حقوق طرفین و جایگاه افراد مطرح باشد، لازم است فضای محبت و همدلی برقرار باشد. فضای احسان و ایثار است که محیط خانواده را سرشار از محبت و زیبایی می کند. به همین دلیل، در منابع اسلامی ارزش فراوانی برای همکاری و همدلی اعضای خانواده با یکدیگر بیان شده است (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۴۴) و بنا بر حکم قرآن کریم، آدمی بیش از هر کس نسبت به هدایت و سعادت خانواده خود مسئول است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶).

درست است که بر هر فرد مسلمان امر به معروف و نهی از منکر بر تمام مسلمین واجب است اما نسبت به خانواده خویش این امر اولی است، زیرا اهل خانواده برخلاف دیگران او را اطاعت می کنند و اینکه هر فرد با توجه به علاقه و وابستگی به خانواده، بیشتر مایل به جلب منفعت و دفع ضرر نسبت به آن ها است (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳/ ۷۶).

افراد در خانواده متعالی در فضای همدلی یاد می گیرند که با تفاهم و درک موقعیت و شرایط روحی و جسمی یکدیگر و حفظ روح ایثار و احسان از راحتی ها و منافع لحظه ای و فردی خود بگذرند و همه سعی و تلاش می نمایند تا منافع جمعی و بلندمدت خانواده را حفظ کنند.



## - عفاف و پاک‌دامنی

واژه عفاف در منابع لغوی به خودداری از چیزی که حلال نیست (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۳/۱) یا خودداری از گفتار یا کرداری که جایز و شایسته نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۳/۹) تعریف شده است. راغب اصفهانی آن را حالت نفسانی می‌داند که به واسطه آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۵۷۳).

به بیان قرآن کریم، عقیف به شخصی گفته می‌شود که خودنگهدار و با مناعت باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۰/۹). در این نوشتار نیز منظور از عفاف، عفت و پاک‌دامنی در خانواده است.

عفت و پروا پیشگی در فطرت آدمی نهفته است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره‌های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است. قرآن کریم در داستان آفرینش آدم و حوا از این خصلت فطری چنین یاد می‌کند: «فَدَلَّاهُمَا بُغُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (اعراف، ۲۲)؛ «[شیطان] آن دو را فریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند، شرمگاه‌هایشان آشکار شد و به پوشاندن خویش از برگ‌های بهشت پرداختند».

قرآن موضوع عفاف را مخصوص زنان نمی‌داند بلکه ذات و سرشت هر انسانی، اقتضای حیا و عفاف را دارد و پاسداری از حریم خانواده و داشتن عفت و حجاب را بر افراد خانواده ضروری می‌داند. خدای سبحان، در پی این ضرورت‌ها، سفارش‌ها و دستوراتی را بیان می‌فرماید:

۱- مسئله کنترل نگاه و حفظ آن یکی از این دستورات قرآنی است به مردان و زنان مؤمن سفرش شده است:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور/۳۰-۳۱)

غض بصر در لغت به معنای کاهش دادن نگاه و خیره نشدن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۵۳/۷). به عقیده برخی از مفسران خطاب «قل للمؤمنین» برای زن و مرد کفایت می‌کرد اما به دلیل اهمیت مسئله، خطاب به زنان را به‌طور مستقل آورده است «قل للمؤمنات» تا فرمان کنترل نگاه را با تأکید بیشتری بیان کرده باشد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲۶/۱۲).

رفتار حضرت موسی(ع) می‌تواند مصداق بارز این نوع عفت‌ورزی باشد که در هنگام رفتن به خانه شعیب، برای اینکه چشمش به قد و قامت زن نامحرم نیفتد، به دختر شعیب پیشنهاد کرد که پشت سر او حرکت کند و راه خانه را به او بنمایاند. این برخورد موسی را، دختر شعیب نوعی امانت‌داری شمرده (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۱۲۲) و خداوند نیز تلقی او را مورد تأیید قرار داده است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، ۲۶). از عملکرد حضرت موسی و دختران شعیب می‌توان نتیجه گرفت که باید حتی از به‌وجود آمدن زمینه‌های نگاه حرام جلوگیری شود.

بر اساس آیات یادشده، مرد و زن وظیفه دارند از نگاه خیره و محرک به نامحرم پرهیز نمایند و با دوری از نگاه‌های آلوده، راه گسترش عفت را هموار سازند.

۲- رعایت عفاف در راه رفتن جنبه دیگری است که در آیات قرآن پس از آن‌که مرد و زن مؤمن را از نگاه‌های شهوت‌آلود نهی می‌کند، می‌فرماید: «...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۱) «و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود، ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید.»

فرهنگ حاکم بر آن روزگار که منش زن جاهلی را به هنگام حضور در اجتماع ترسیم می‌کند، زمینه نزول این آیه است؛ برخی از زنان عرب، خلخال به پا می‌بستند و برای اینکه بفهمانند خلخال به پا دارند پای خود را محکم به زمین می‌کوبیدند، و این آیه آنان را از این عمل نهی کرده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۲/۱۹۹).

بر این اساس و با توجه به سیاق آیه، برخی از مفسران از این آیه یک قاعده کلی استنباط کرده‌اند و آن اینکه: نهی از پا به زمین کوبیدن، بیانگر نهی از هر چیزی است که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه‌ها را برانگیزد و زمینه فساد درست کند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳/۲۸۸).

خداوند در جای دیگر حیا و عفت دختر شعیب را مورد ستایش قرار می‌دهد: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص، ۲۵) پس یکی از آن دو دختر که با شرم و حیا راه می‌رفت نزد موسی آمد.»

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «من غَضَّ طرفه أراح قلبه» «کسی که از چشم چرانی پرهیز کند به قلب و روانش آسایش می‌دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۶۳).

بنابراین از منظر آیات قرآنی، حفظ عفاف برای مردان و زنان آن‌چنان اهمیت دارد که حتی نوع پوشش، آهنگ صدا، آرایش‌های آنان و نکات ریز دیگری نیز به صراحت در قرآن بیان شده است و افراد خانواده متعالی تجلی‌گاه آیات خداوند در حفظ عفاف و پاک‌دامنی هستند.

زن و شوهر در خانواده متعالی به شدت به موازین شرعی پایبند هستند و به موضوع محرم و نامحرم خصوصاً در محیط خانواده، حفظ ناموس، عفت و پاک‌دامنی و عدم اختلاط با نامحرمان، فوق‌العاده اهمیت می‌دهند. مرد در چنین خانواده‌ای بسیار عفیف است و چشم خویش را از ناموس دیگران فرومی‌بندد و خواسته‌های غریزی خود را در محدوده‌ای که خداوند برایش حلال کرده، منحصر می‌سازد. زن نیز خود را برای شوهرش می‌آراید و خویش را از نامحرمان می‌پوشاند. فرزندان در چنین فرهنگ و محیطی رشد می‌کنند و با پرهیز از هرگونه بی‌حیایی و بی‌عفتی، بدون دغدغه و افکار مزاحم و وسوسه‌انگیز به رشد و تعالی خود ادامه می‌دهند.

در مقابل، خانواده‌ای که به این ویژگی پایبند نباشد و به محرم و نامحرم و حفظ حجاب و عفاف اهمیت ندهد، دچار آسیب می‌شود و در پی آن به جامعه آسیب می‌رساند. بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی نیز از همین جا صورت می‌گیرد، جایی که اعضای این خانواده حریم خود را نمی‌شناسند و به موازین شرع مقدس بی‌اعتنایی می‌کنند.

بدین ترتیب، آرام‌آرام زمینه‌های فروپاشی نظام خانواده و بی‌رغبتی به ازدواج در افراد خانواده به وجود می‌آید، زیرا نیاز خود را از بیرون خانواده تأمین می‌کنند. زنان در این فرهنگ، تعالیم قرآن و اسلام را محدودیت و مانع آزادی خود می‌پندارند در صورتی که اسلام هرگز با حضور زن در صحنه اجتماع مخالف نبوده بلکه اسلام با بی‌حجابی، بی‌عفتی و اختلاط زن و مرد مخالف است. پوشش مناسب، حصار و حریم عفت دختران و زنان و سنگر محکمی است که راه ورود فساد را می‌بندد، به آنان شخصیت و احترام می‌بخشد تا بازیچه هوس‌های بیگانگان نگردند.

بنابراین در جامعه‌ای که دختران و زنان با عفاف و پوششی متناسب با معیار قرآن و تعالیم اسلامی رفت‌وآمد می‌کنند، جوانان هم با خاطری آسوده به کار خود مشغول می‌شوند و دور از هرگونه تحریک بی‌جا و خیال‌خام، در زمان مناسب، با رضایت و خرسندی، به تشکیل خانواده علاقه‌مند می‌شوند و ازدواج می‌کنند.

پس با توجه به مطالب بیان‌شده، رعایت عفاف و حریم در خانواده از مهم‌ترین وظایف افراد خانواده و از شاخصه‌های خانواده متعالی به‌شمار می‌آید.

### - حسن خلق

خُلُق عبارت است از ملکه‌ای راسخ در نفس (چه خوب و چه بد) که در مقابل عمل قرار دارد (مجلسی؛ ۱۴۰۴: ۱۶۶/۸) و حُسن در لغت یعنی زیبایی (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۳۶/۲)؛ بنابراین، حُسن خلق در لغت یعنی ملکات اخلاقی زیبا و در اصطلاح، عبارت است از خوش‌رویی، خوش‌رفتاری، حُسن معاشرت و برخورد پسندیده با دیگران.

دین مبین اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر است، عنایت ویژه‌ای به سلامت و پویایی نهاد مقدس و سرنوشت‌ساز خانواده دارد. خداوند متعال شاخص‌هایی را در تعالی این کانون در قرآن ارائه نموده که یکی از آن‌ها خوش‌خُلُق است.

پیامبر اکرم (ص) به دلیل حسن خلق مورد تکریم واقع شده (قلم، ۴) و خدای متعال، علت برتری ایشان بر سایر انبیاء را حسن خلق بیان کرده است (دیلمی، بی‌تا: ۱۲۶/۲).

طبق روایات اسلامی «حسن خلق، نیمی از دین است» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۳۰/۱)؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «بیشترین چیزی که امت من را به بهشت می‌برد، تقوی و حسن خلق است» (کلینی؛ ۱۴۰۷: ۱۰۰/۲).

همچنین آن حضرت به حسن خلق خانوادگی اهمیت فراوان داده و می‌فرماید: «بهترین شما خوش‌اخلاق‌ترین شما با همسرانشان است» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۹۲).

افراد خانواده متعالی پیامبر را الگوی خود می‌دانند؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) و با تبعیت از ایشان، اخلاق حسنه را شیوه خود در زندگی قرار می‌دهند و با



اخلاق عملی خود همگان را به این سیره قرآنی فرا می خوانند.

خوش رویی و خوش اخلاقی اعضای خانواده با یکدیگر، موجب آرامش و گرمی کانون خانواده می شود و پایه های این کانون مقدس را محکم می سازد. کلمات زیبا و جملات محبت آمیز اعضای خانواده در خانه و حتی خارج از خانه، همیشه باید نو و تازه باشد و نباید با گذشت ایام، روابط بین آن ها را سرد و عادی کند. با رعایت این نکات افراد خانواده اگر چه به هم نزدیک و صمیمی می شوند اما حصار محبت و احترام، مانع از آن می شود که کلمات و جملاتی نامناسب را در برخورد با یکدیگر به کار گیرند.

البته باید توجه داشت که از نظر اسلام، حسن خلق، هرگز به معنای بی اعتنایی در برابر گناه و منکر نیست؛ بنابراین، رنجاندن نزدیک ترین افراد به انسان نیز اگر به دلیل حفظ ارزش های دینی و اخلاقی و پای بندی به آن باشد، نه تنها ناپسند نیست، بلکه جزو مهم ترین وظایف شرعی و از مراتب نهی از منکر به شمار می رود.

#### - تواضع

تواضع از ریشه «وضع» و در اصل به معنی فرو نهادن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳ / ۱۳۱) و به معنای خویش را کوچک نشان دادن، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴ / ۶۶۴) خود را خوار کردن (تذلل) آمده است (داورپناه، ۱۳۷۵: ۵ / ۳۳۹) و در مقابل آن «تکبر» به معنای «خود را بزرگ دانستن» است (مهیار، ۱۴۱۰: ق: ۷۱).

در اصطلاح «تواضع عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند» (نراقی، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

دین مقدس اسلام همواره پیروان خود را به این صفت نیکو سفارش نموده و بندگان متواضع را به عنوان بندگان شایسته معرفی نموده است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان، ۶۳) «بندگان خدای رحمان، کسانی هستند که در روی زمین، متواضعانه قدم برمی دارند». به پیامبر اسلام (ص) سفرش شده است: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۵) «با پیروان

با ایمانت، متواضع و فروتن باش.»

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «بکثره التواضع یتکامل الشرف» «با تواضع فراوان، شرف، کامل می‌شود» (واسطی، ۱۳۷۶: ۱۸۸).

با این توضیحات روشن می‌شود که تواضع هم در قرآن و هم در سیره معصومان (ع) بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است که نشان از اهمیت والای آن دارد و با توجه به معنای تواضع و فروتنی و سفارش‌ها و تأکیدهای قرآن و تعالیم اسلامی به آن، تواضع از جمله عوامل مهمی است که کیان خانواده به آن بستگی دارد و اعضای خانواده باید در رعایت آن همت گمارند تا به تعالی و رشد دست یابند.

## نشانه‌های تواضع در خانواده متعالی

تواضع در خانواده متعالی دارای نشانه‌هایی است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

### - مشورت

مشورت در مورد خانواده و بین اعضای آن بسیار با اهمیت است و نشانه تواضع است، فرزندان نیز با الگوگیری از والدین می‌آموزند در تمامی برنامه‌های خود از بزرگ‌ترها مشورت بگیرند.

### - همکاری در خانواده

تعاون و همکاری در خانواده به معنای مشارکت در تمام امور خانواده است، همکاری در خانواده به دو صورت فیزیکی و مشارکت در تصمیم‌گیری است، همکاری سبب می‌شود که بار مسئولیت‌ها بر دوش یک نفر نمی‌افتد و صمیمیت و همدلی نیز بیشتر می‌شود، چنانچه پیامبر گرامی (ص) فرمودند: «من لم یأنف من خدمة العیال فهو کفارة للکبائر و یطفی غضب الرب و مهوور الحور العین و تزیید فی الحسنات و الدرجات» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۴۹/۱۳) «کسی که از خدمت به خانواده خود عاری نداشته باشد این کار کفارة گناهان بزرگ است و خشم خدا را فرومی‌نشاند و مهریه حورالعین است و بر حسنه‌ها و درجات او می‌افزاید».

در برخی از خانواده‌ها افراد با خودبرتربینی، کمک در امور منزل را کسر شأن و مناسب

شخصیت خویش نمی‌دانند، در صورتی که در خانواده متعالی، افراد با کمال فروتنی و بدون هیچ‌گونه ناراحتی، در تمامی امور حتی کارهای منزل همکار یکدیگر هستند.

- رفتار متواضعانه: گاهی دیده می‌شود که مرد با توجه به برتری جسمی و موقعیت خویش در خانواده، رفتاری غرورآمیز و نامناسب را پیش می‌گیرد و انتظارات بی‌جایی را مطرح می‌کند که این رفتار وی افزون بر اینکه پسندیده نیست با تأکیدات اسلام بر فروتنی و تواضع منافات دارد. گاهی نیز زن با توجه به تحصیلات، ثروت و ... نسبت به مرد رفتاری متکبرانه نشان می‌دهد که این مورد نیز به شدت با مبانی اخلاقی اسلام متعارض است.

به عبارت دیگر هریک از اعضای خانواده متعالی بر خود لازم می‌دانند برای حفظ و تقویت کانون پرمهر و عطوفت خانواده و نیز در جهت هر چه بهتر تربیت شدن فرزندان و اصلاح روابط اجتماعی آنان در آینده، توجه و تأکید بیشتری بر این خصیصه اخلاقی داشته باشند. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان، ۱۸) «با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد».

### - صداقت

واژه «صدق» در قرآن، دو کاربرد دارد: صدق گفتاری و صدق رفتاری. صدق گفتاری به معنای مطابقت کلام با واقع است. صدق عملی یا رفتاری، به معنای مطابقت اعمال و رفتار انسان با گفتار یا اعتقاد است. بنابراین، صادق به کسی می‌گویند که اگر به چیزی معتقد است، به اقتضای اعتقادش رفتار کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳/۳۳۶).

قرآن کریم بر این صدق تأکید کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات، ۱۵) «مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان دارند و هیچ تردیدی در آن نکرده‌اند و با جان و مال خویش، در راه خدا جهاد کرده‌اند، اینان همان صادقان هستند».

صداقت در خانواده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در خانواده‌ای که پر از عطر صداقت است، زوجین با یکدیگر بر مبنای صدق رفتار می‌کنند تا اعتماد و اطمینان یکدیگر را که پایه‌های استواری زندگی است، استوار کنند. پدر و مادر نیز به‌عنوان نخستین الگوها در خانواده، زمانی که الگوی صحیحی پیش روی فرزندان قرار دهند، قطعاً فرزندان سالم، صالح و صادق تربیت خواهند کرد. از این‌رو به فرزندان خود وعده دروغ نمی‌دهند زیرا فرزندان راستی را از والدین خود می‌آموزند و درس صداقت و امانت را همچون یک شیوه و سبک زندگی به فرزندان می‌دهند. فرزندان هم خود را در مقابل پدر و مادر متعهد به راست‌گویی می‌دانند. در نتیجه افراد خانواده با پرهیز از دروغ‌گویی از حریم خانواده خود دفاع می‌کنند.

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «جعلت الخبائث کلها فی بیت و جعل مفتاحها الکذب» (نراقی، ۱۳۸۳: ۲/۲۳۳) «تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن دروغ است».

رابطه دروغ و گناهان دیگر از این نظر است گناهکار مجبور می‌شود برای پوشاندن آثار گناه‌ها و خطاهای خود به دروغ متوسل شود. به عبارت دیگر، دروغ انسان را در مقابل گناه آزاد می‌کند و راست‌گویی محدود می‌کند.

به این ترتیب، وقتی صداقت بر فضای خانواده متعالی پرتو افکند، یکدلی و صمیمیت بر روابط اعضای خانواده حاکم خواهد شد. اعضای آن دوستدار همدیگر می‌شوند پس دلسوزی‌ها و همدردی‌های آنان نسبت به یکدیگر صمیمانه و واقعی می‌شود و هیچ‌یک از افراد خانواده به خود اجازه نمی‌دهد که با دیگری به روش منافقانه رفتار کند. اعتماد اعضا نسبت به همدیگر جلب خواهد شد و کینه‌ها و کدورت‌هایی که از بی‌اعتمادی‌ها و بی‌صداقتی‌ها منشأ می‌گیرند رخت بر خواهد بست و خانواده و اجتماع در مسیر شکوفایی و تعالی رشد قرار خواهد گرفت

## - احترام

احترام از ریشه حرم گرفته شده که به معنای بزرگداشت و حرمت نگه داشتن است (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۲۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۲۲۲). البته این واژه به معنای آنچه هتک و شکستن آن نادرست باشد نیز آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲/۲۰۲).



احترام در اصطلاح عرفی به معنای گرامی داشت و بزرگداشت و تعظیم شخص است که بی ارتباط با معنای لغوی آن نیز نیست؛ زیرا شخص، چیز، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.

اگر از محیط خانواده‌ای احترام و حفظ حرمت رخت بر بندد، افراد خانواده نشاط و شکوفایی خود را از دست می‌دهند و به تدریج بر این باور می‌رسند که دیگر نزد یکدیگر ارزش و شایستگی احترام را ندارند. افراد در چنین خانواده‌ای بدون توجه به فرد دیگر و مشکلات و مسائل او به صورت کاملاً بی تفاوت، به نیازهای خود می‌پردازند و در هنگام تراحم نیازها، برای دستیابی به نیاز خود کاملاً بیگانه و بی‌رحمانه نسبت به اعضای خانواده خود برخورد می‌کنند.

اما در خانواده متعالی افراد با رعایت احترام و کمال ادب با یکدیگر رفتار می‌کنند و زمان بیشتری را با یکدیگر صرف می‌کنند با صبر و بردباری بیشتری با یکدیگر برخورد می‌کنند؛ پس با حفظ شأن و موقعیت یکدیگر محیطی مملو از شادی و نشاط در مسیر تعالی و رشد یکدیگر فراهم می‌سازند.

بر حسب تعالیم دینی برخی از موارد احترام متقابل در خانواده عبارت‌اند از: خواندن اعضای خانواده به نام مناسب، سلام کردن هنگام ورود به منزل، استقبال از یکدیگر هنگام ورود به منزل، راهنمایی و مشورت گرفتن از یکدیگر، سپردن حل برخی مسائل به افراد خانه و مسئول نشان دادن آنان و ...

احترام متقابل در محیط خانوادگی از اصول مهم در استحکام روابط خانوادگی است. خداوند انسان‌ها را مورد تکریم و احترام قرار داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبُحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ...» (اسراء، ۷۰).

اما بی تردید احترام متقابل زن و شوهر و پدر و مادر با فرزند، و فرزندان با یکدیگر به دلیل نقشی که در سلامت و تعالی خانواده دارد، بیشتر حائز اهمیت و تأکید است.

### - احترام متقابل زوجین

با توجه به فرهنگ قرآنی، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی، یکی از

اصول مهم خانواده متعالی است. در تعالیم اسلامی آمده که هر یک از مرد و زن، باید به دیگری احترام بگذارد، چراکه احترام بین زوجین موجب محبت و صمیمیت بیشتر بین آنها و دیگر اعضای خانواده و استحکام کانون خانواده می شود.

نکته قابل توجه اینکه وظیفه مرد به عنوان مدیر و بزرگ خانواده، در این باره سنگین تر است و در روایات فراوانی، به مردها توصیه شده است که به همسران خود احترام بگذارند. امام باقر (ع) به مردان چنین سفارش کرده است: «وَمَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۵/۷۳) «هر کس زن گرفت، باید او را گرامی دارد».

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی ما أكرم النساء إلا کریم و لا أهانهن إلا لئیم» (پاینده، بی تا: ۴۷۲) «بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهترین باشد و من از همه شما برای خانواده خود بهترم؛ زنان را کسی گرامی نمی دارد، مگر انسان بزرگوار و کسی به آنان اهانت نمی کند، مگر انسان پست».

زن نیز باید نهایت احترام را نسبت به شوهرش ادا کند، با او خوش رفتار باشد تا خوشبختی خود و همسر و فرزندانش را تضمین نماید. امام صادق (ع) می فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أحوَالِهِ» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۵۰) «سعادت مند است، سعادت مند است زنی که همسر خویش را تکریم کند و او را مورد اذیت و آزار قرار ندهد، و در همه حالتها از او اطاعت کند».

در خانواده متعالی زوجین با رعایت ادب و احترام نسبت به یکدیگر در محیطی سرشار از مهر و عطوفت زمینه سعادت خود و دیگر اعضای خانواده را فراهم می کنند.

## - احترام به والدین

پدر و مادر از جایگاه بسیار بلندی برخوردارند چنانکه خداوند متعال، به احترام و تکریم پدر و مادر، پس از بیان حکم و جوب پرستش خدای یگانه، فرمان داده است: «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره، ۸۳) در جای دیگر خداوند می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ... أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴)

در تفسیر اطیب البیان در توضیح این آیه آمده است که حقوق والدین را مراعات کنید (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/۴۲۳).

خداوند در آیه‌ای دیگر حتی کوچک‌ترین بی‌احترامی به والدین را ممنوع می‌کند و بیان می‌دارد که فرزندان حتی اجازه «اف» گفتن به والدین خود را نیز ندارند و اگر پایین‌تر از این نیز بی‌حرمتی بود، آن را نیز ممنوع می‌ساخت: «إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا - وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۳ و ۲۴). طبق بیان علامه طباطبایی این آیات دلالت بر وجوب اکرام و احترام و رعایت کمال ادب در معاشرت و گفت‌وگوی با پدر و مادر در تمامی اوقات مخصوصاً زمانی که نیازمندند، دارد (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۳/۸۰).

#### - احترام به فرزندان

با توجه به سفارش‌های قرآن و تعالیم اسلامی، احترام واژه‌ای نهادینه‌شده در خانواده متعالی است و تمامی افراد خود را مأمور به آن در تعاملات با یکدیگر می‌دانند. احترام به فرزندان نیز از این مقوله مستثنا نیست. صدا کردن فرزندان به نام نیکو و احترام گذاشتن در برخورد با آنان، از مصادیق احترام به آنان است.

نکته‌ای لازم به ذکر است، اینکه منشأ احترام به هر چیزی را باید در نحوه ارتباط آن با خدا جستجو کرد و هر چیزی که انتساب آن به خدا قوی‌تر و نزدیک‌تر باشد از احترام بیشتری برخوردار است؛ بنابراین والدین و کانون مقدس خانواده که خداوند بر حفظ و حرمت آن تأکید بسیاری در قرآن نموده است، باید نزد پیروان قرآن نیز از احترام ویژه‌ای برخوردار باشند. رعایت اصل احترام در خانواده، استحکام روابط درونی خانواده و ثبات روابط اجتماعی هم در زمان حال و هم آینده را در پی خواهد داشت.

## بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی های به عمل آمده، به برخی از شاخص های درونی خانواده متعالی که نقش مؤثری در سبک زندگی دارند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محبت برای انسان یک نیاز طبیعی است همان طور که انسان به آب و غذا نیاز دارد، به محبت نیز احتیاج دارد و این محبت را بیشتر در چهارچوب خانواده جستجو می کند. بررسی های متعدد ثابت کرده اند که محبت مهم ترین عامل سلامت روحی و روانی و نبود آن موجب ناهنجاری های متعدد است. در خانواده های متعالی تبادل عاطفی، محیط خانواده را فضایی سالم و امن و سرشار از طراوت و نشاط برای اعضای خانواده می کند و در چنین فضایی است که فرزندان نیز می آموزند که دوست بدارند همان گونه که دوست داشته می شوند.

۲. افراد در خانواده متعالی در فضای همدلی یاد می گیرند که با تفاهم و درک موقعیت و شرایط روحی و جسمی یکدیگر و حفظ روح ایثار و احسان از راحتی ها و منافع لحظه ای و فردی خود بگذرند و همه سعی می کنند تا منافع جمعی و بلندمدت خانواده را حفظ کنند.

۳. زن و شوهر در خانواده متعالی به شدت به موازین شرعی پایبند هستند و به مسائل محرم و نامحرم خصوصاً در محیط خانواده، حفظ ناموس، عفت و پاکدامنی و عدم اختلاط با نامحرمان فوق العاده اهمیت می دهند، بنابراین رعایت عفاف و حریم در خانواده از مهم ترین وظایف افراد خانواده و از شاخص های خانواده متعالی به شمار می آید.

۴. خوش رویی و خوش اخلاقی اعضای خانواده با یکدیگر موجب آرامش و گرمی کانون خانواده می شود و پایه های این کانون مقدس را محکم می سازد. کلمات زیبا و جملات محبت آمیز اعضای خانواده در خانه و حتی خارج از خانه، همیشه باید نو و تازه باشند و نباید گذشت ایام، روابط بین آن ها را سرد و عادی کند. با رعایت این نکات افراد خانواده اگر چه به هم نزدیک و صمیمی می شوند اما حصار محبت و احترام، مانع از آن می شود که کلمات و جملاتی نامناسب را در برخورد با یکدیگر به کار گیرند.

۵. هریک از اعضای خانواده متعالی بر خود لازم می دانند برای حفظ و تقویت کانون پرمهر و عطوفت خانواده و نیز در جهت هر چه بهتر تربیت شدن فرزندان و اصلاح روابط اجتماعی آنان

در آینده، توجه و تأکید بیشتری بر این خصیصه اخلاقی داشته باشند.

۶. وقتی صداقت بر فضای خانواده متعالی پرتو افکند، یکدلی و صمیمیت بر روابط اعضای خانواده حاکم خواهد شد. اعضای آن دوستدار همدیگر می شوند پس دلسوزی ها و همدردی های آنان نسبت به یکدیگر صمیمانه و واقعی می شود و هیچ یک از افراد خانواده به خود اجازه نمی دهد که با دیگری به روش منافقانه رفتار کند. اعتماد اعضا نسبت به همدیگر جلب خواهد شد و کینه ها و کدورت هایی که از بی اعتمادی ها و بی صداقتی ها منشأ می گیرند رخت بر خواهد بست و خانواده و اجتماع در مسیر شکوفایی و تعالی رشد قرار خواهد گرفت.

۷. احترام متقابل در محیط خانوادگی از اصول مهم در استحکام روابط خانوادگی است. از جمله مصادیق احترام متقابل در خانواده را برحسب تعالیم دینی می توان چنین بیان کرد: خواندن اعضای خانواده به نام مناسب، سلام کردن هنگام ورود به منزل، استقبال از یکدیگر هنگام ورود به منزل، راهنمایی و مشورت گرفتن از یکدیگر، سپردن حل برخی مسائل به افراد خانه و مسئول نشان دادن آنان و ...

### پیشنهادها

۱. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بهره مندی از دستورالعمل های قرآنی برای تحکیم نظام خانواده، بهترین شیوه تربیتی حاکم در جامعه اسلامی است. از این رو لازم است در نهادهایی از جمله صداوسیما، مدارس، دانشگاه ها، مراکز مشاوره و ... نقش کاربردی آیات قرآن ابتدا از طریق آگاه سازی والدین و سپس اعضای خانواده از طریق مشاوره های حضوری و غیر حضوری پررنگ تر شود و با تشویق و تداوم بتوانند آن را در بطن زندگی نیز به کار گیرند.

۲. امروزه با وجود تهاجم فرهنگی و استفاده نابه جا از فضای مجازی، فاصله عاطفی و معنوی اعضای خانواده زیاد شده است و با وجود اینکه در زیر یک سقف زندگی می کنند اما از مشورت و همدلی کمتری برخوردار هستند. لازم است از طریق همین فضای مجازی از سوی سازمان های حمایت کننده با رویکرد اسلامی، تبلیغاتی در جهت استفاده صحیح از این فضا و کاربردهای قرآنی ارائه گردد. به گونه ای که هر شخص بتواند طبق خواسته هایش از برنامه ریزی و مشاوره رایگان بهره مند شود.

## منابع

- قرآن کریم. انصاریان، حسین، (۱۳۸۳). ترجمه قرآن (انصاریان)، قم، اسوه.
- نهج البلاغه. شریف الرضی، (۱۴۱۴). محمد بن حسین، قم: هجرت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). النخصال. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دار الشریف الرضی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- الحویزی، جمعه العروس (۱۴۱۵ق). نور الثقلین. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). تفسیر روح المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بحرانی، هاشم (۱۴۱۱ق). حلیه الأبرار فی احوال محمد و آله الاطهار. قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (بی تا). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). انوار العرفان فی تفسیر القرآن. تهران: صدر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، دیلمی، حسن بن محمد (بی تا). ارشاد القلوب الی الصواب. ترجمه هدایت الله مسترحمی. تهران: مصطفوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۵). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. به کوشش سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۲). خانواده متعادل. تهران: انجمن اولیا و مربیان، چاپ چهارم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). همیشه بهار. قم: معارف.
- شکوهی یکتا، محسن (۱۳۶۸). تعلیم تربیت اسلامی. تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی.
- شیخزاده، محمد جمعه (۱۳۸۸). سیره عملی پیامبر و اهل بیت در خانواده. قم: جامعه المصطفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

الطبعة الثالثة.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). الطیب البیان. تهران: انتشارات اسلام.
- عمید، حسن (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ق). العین. قم: هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر. قم: دار الهجرة.
- قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌های قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- کراجکی، ابو الفتح (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. مصحح: عبدالله نعمه. قم: دار الذخائر.
- کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۴۲۳ق). زیده التفاسیر. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
- لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ. تصحیح حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. تهران: صدرا، چاپ سی و سوم.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین، چاپ دوم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۹۰). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ سوم.

- مهیار، رضا (۱۴۱۰ق). فرهنگ ابجدی عربی - فارسی. تهران: انتشارات اسلامی.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الأبرار. تهران: امیرکبیر.
- نراقی، احمد (۱۳۸۶). معراج السعاده، قم: زهیر.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. تحقیق مؤسسه آل البيت، دار احیاء التراث، بیروت: الطبعة الثانية.
- هاشمی رفسنجانی و همکاران (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن. تهران: بوستان کتاب، چاپ دوم.